حل المسائل فلسفه

پایه یازدهم انسانی

از ابتدا تا انتهای کتاب

کانال گام به گام درسی :

@GamBeGam-Darsi

با تشکر ازگروه فلسفه و منطق شهرستان نجف آباد

برای تهییه و تنظیم این فایل

توجه : کانال گام به گام درسی در سایر

پیام رسان ها هیچ گونه فعالیتی ندارد

کاری از گروه فلسفه ومنطق شهرستان نجف آباد(با تشکر از همکاران بزرگوارخانمها :

طاهره صالحی،اکرم محمودیان،رضوان عزیز اللهی ، فوزیه السادات حسینی ، طیبه خدادادی ، و

جناب آقای منصور محمدی)

پاسخ نامه سوالات درس های فلسفه یازدهم

درس اول

صفحه ۳تفکر

۱-اقیانوس نماد ونشانگر جهان هستی وبی کرانگی آن نمایانگر عظمت وبی نهایتی فیض خداوند

۲-وسیله نجات در اقیانوس بی کران-نماد زمین وبی کرانگی هستی

۳-ناخدای کشتی خداوند است که اکثر مردم دچار غفلت وبی توجهی نسبت به حضور یک مدیر ومدبر آگاه هستندومشغول امور زود گذر هستند.

جوان← نماد فرد آگاه یا همان فردی(فیلسوف)که به مسائل بنیادین توجه دارد خورشید ← امکان تفکر ومشاهده

آمدن روی عرشه← عبور از سطح روزمره زندگی به سمت سوالات اساسی(عبور از فطرت اول به فطرت ثانی)

تبدیل لذت به حیرت←رها کردن امور زودگذر وخوشی ها وتوجه وحیرت نسبت به سوالات بنیادین(هدف زندگی)

به کجا می رویم←مقصد وآخر جهان هستی واز جمله انسان کجاست

صفحه ۴نمونه یابی

از کجا آمده ایم؟ به کجا می رویم؟ مرگ چیست؟ چرا مرگ هست؟

مقایسه صفحه ۵

۱- الف)مسائل روزمره جزیی وفرعی هستند ولی مسائل فلسفی کلی وبنیادین هستند ومربوط به عقل معاد وبه اصل وحقیقت انسان وجهان وطبیعت می پردازد. ب)مسائل فلسفی در ظاهر سود وزیان مادی ندارند اما ارزش آن ها به اندازه وجود انسان است ولی مسائل روزمره سود وزیان مادی دارد.
ج)مسائل فلسفی معقول ونیازمند تبیین عقلانی هستند وبرای حل آن ها از عقل مدد می گیریم ولی مسائل روز مره محسوسند وبرای رسیدن به آن از راه مشاهده وتجربه وآزمایش اقدام می شود

@GamBeGam-Darsi

۲-پرسش های دیگر جزیی هستند وبرای دانشمندان همان علم مطرح می شود ولی مسائل فلسفی کلی هستند وبرای افراد اهل تامل مطرح شده وبرای یافتن سوالات خود تلاش فکری می کنند. هر علمی به خواص وویژگی های ظاهری وخاص توجه می نماید اما پرسش فلسفی مربوط به اصل هستی است.

۳-از کجا آمده ام؟ چرا آمده ام؟ مقصد کجاست؟

خود ارزیابی صفحه۶

۱- هردو بیان می کنند که باید برای رسیدن به پرسش هایمان تلاش وپشتکار داشته باشیم وباتلاش فکری مداوم به دنبال بهترین پاسخ برای سوالاتمان باشیم ۲-سوال واگرا وبه عهده دانش آموز

تفکیک صفحه ۷

شماره های ۲-۵-۶-۸فلسفی هستند وشماره یک تاریخی وشماره ۳فقهی وشماره ۴ تاریخی وشماره ۷ زیست شناسی

تفکر صفحه ۸

۱-عقلی واستدلالی ۲-تجربه(استقرا) ۳-استقرا ۴- قیاس فلسفی ومربوط به انسان شناسی ۵ - برهان (در مورد خداوند وفرشتگان)واستقرا (در مورد موجودات) ۶-قیاس زیرا سوال بنیادی است ودر مورد کل هستی

بررسی صفحه ۹

خیر روش نقلی یک روش در مقابل استدلال قیاسی واستقرایی وتجربی نیست زیرا دیگران نیز یا از تجربه یا قیاس واستقراءبه آن رسیده اند وهمین سوال در مورد دانسته های دیگران نیز مطرح می شود ودر نهایت دور پیش می آید

به کار ببندیم صفحه ۱۰

۱-مورد ب

۲-الف آگاهی از مجهولات وندانسته های خود ب)تشخیص مسائل مهم وموثر از مسائل فرعی وغیر مهم

ج)جست وجوی پاسخ برای سوالات د)داشتن معیار برای پذیرش پاسخ ه)ارائه استدلال صحیح

۳-نکات اساسی.....

تفکر فلسفی	لازمه زندگی هر انسان	تفکر فلسفی هر انسان به نحوه زندگی او شکل می دهد	ضرورتی عام وهمگانی نیازمند تلاش فکری پیوسته

@GamBeGam-Darsi

دانش فلسفه	عهده دار پاسخ قانونمند به سوالات بنیادین	دانش عقلی که ثمره تلاش فلاسفه است	دانش عقلی
ویژگی های فلسفه	بنیادی ترین مساله ها وموضوعات	استفاده از روش عقلی	تاثیر گذاری دیدگاه فلسفی در زندگی انسان

درس دوم

دسته بندی صفحه ۱۱

موارد۲و٤و٦و٨ کلی تر هستند

موارد ۱و۳و٥و۷ بیانگر ارتباط فلسفه وفلسفه های مضاف هستند(مورد ۱ فلسفه وجامعه ومورد۳ فلسفه وسیاست ومورد٥ فلسفه وتاریخ ومورد ۷ فلسفه واخلاق

بررسی صفحه ۱۳

موارد ۲و٤و٦و٨

طرح پرسش صفحه ۱۳

الف)آیا علاوه براین عالم،عالم دیگری وجود دارد؟ ب)آیا عالم ازلی وابدی است؟ ج)هستی از کجا آمده وبه کجا می رود؟

دسته بندی صفحه ۱٥

گزاره	نام فلسفه مضاف
۱	فلسفه علوم اجتماعی
۳	فلسفه سیاست
٥	فلسفه تاریخ
۷	فلسفه اخلاق

به کار ببندیم صفحه ۱٥

موقعی که دانشمند فیزیک به تعریف واثبات موضوع آن می پردازد کار یک فیزیک دان را انجام نمی دهد بلکه وارد قلمرو فلسفه فیزیک می شود زیرا اصول غیر تجربی درفلسفه بحث می شوند وفیزیک به اثبات طبیعت نمی پردازد بلکه آن را فرض می کند.

@GamBeGam-Darsi

مثلا اگر دستم را روی آتش بگیرم می سوزد،همه فلزات در همه جا بر اثر حرارت منبسط می شوند قضایایی علمی هستند که در فلسفه به آن پرداخته شده مثلا در این قضایا از رابطه علیت وسنخیت علت ومعلول استفاده شده است.

درس سوم

تفکر صفحه ۱۹

تغییر وحرکت – وحدت در کثرت وکثرت در وحدت -ستیز بین اضداد

اظهار نظر ۲۰

نظر دانشمندان امروزی در مورد ماده سازنده جهان مختلف است وبه نظر مشخصی نرسیده اند

دانشمندان طبیعی:اصل هستی از گاز گرم(یا ماده مذاب)که فضا را پر کرده می باشد وپیوسته در حرکت است=مشهورترین نظر

نظر دیگر:۱۳میلیاردسال پیش انفجار بزرگی رخ داده و در اینانفجار تمام ماده وانرژی خلق شده=مهبانگ

فیزیکدانان وشیمی دان ها در دوره معاصر گفته اند عناصر اولیه جهان عناصر اربعه (آب،باد،خاک وآتش)نیست بلکه حدود صد وچند عنصر تشکیل دهنده عناصر اربعه هستند که در جدول مندلیف مشخص شده.

وفیزیک دانها گفته اند همین عناصر از اجزایی به نام اتم تشکیل شده واتم ها نیز از دو جزء الکترون وپروتون ساخته شده اند البته نظرات دقیقتری داده شده.

تفکر صفحه ۲۰

دو دیدگاه: الف)از ابزار وامکانات کمی برخوردار بودند لذا ماده اولیه جهان را آب –آتش گرفتند در نتیجه دانش اندک

ب)این فیلسوفان حقایقی را درک کرده بودند که نمی توانستند به صورت علمی بیان کنند لذا به زبان رمزی وسمبلیک استفاده می کردند=منظور آن ها این بوده که حقیقتی را غیر از عناصر اولیه فیزیکی درک کرده بودند مثلا تالس که می گوید ماده اولیه جهان آب است چون آب علامت حیات است.

در پشت این پاسخ ها نکات پیچیده ای هم وجود داشت زیرا ادیانی بودند که به این پرسش ها به صورت اسطوره پاسخ می دادند وفلسفه می خواستند ثابت کنند که این توضیحات معتبر نیست ونمی شود به آن ها اعتماد کرد.

مثلا در مورد تقدیر،مسئله زندگی،گذشته وآینده انسان با اسطوره جواب می دادند ودر طی هزاران سال توضیحات اسطوره ای در تار وپود پرسش های فلسفی ریشه دوانده بود.

هدف فیلشوفان یونان این بود که برای آنچه در طبیعت روی می دهد توضیحی طبیعی بیابند

@GamBeGam-Darsi

اندیشه صفحه ۲۱

اگر چیزی به وجود آید یا از وجود به وجود می اید یا از لا وجود

اگر از وجود به وجود آید در این صورت قبلا هست

اگر از لا وجود به وجود آید امری متناقض است

زیرا از هیچ،هیچ چیز به وجود نمی آید

بنابراین چیزی به وجود نمی آید وجود هست

به کار ببندیم صفحه۲۲

۱-تالس بیان می داشت چون ماده اولیه از آب است وزمین بر روی آب قرار گرفته پس همه چیز از آب پدید آمده استویا هراکلیتس بیان می داشت به واسطه تغییر وتحولاتی که در ماده اولیه یعنی آتش ایجاد می شود بقیه چیز ها به وجود می آید

۲-برای پذیرش هر دیدگاه معیار این است که از پشتوانه استدلال برخوردار باشد وپاسخ منطقی باشد.

حال اگر از امور تجربی است باید استدلال تجربی داشته باشد واگر از امور قیاسی وعقلی است باید با استدلال قیاسی اثبات شود.

درس چهارم

بررسی صفحه۲۴

۱-چون آنچه از زندگی می خواست خودش داشت وآرامش خود را در همان زندگی ساده ی خود می دید وحقیقت زندگی را در همین آرامش می دید.

۲-ماهیگیر خوشبختی وسعادت را در داشته های خود می دانست وتاجر آن را در ثروت جستجو می کرد.

۳-بله دید گاه های متفاوت در باره هدف زندگی- معنای سعادت

بررسی صفحه ۲۷

۱-در پرتو تفکر وتعقل واستدلال تلاش فکری پیوسته ودائمی وحیرت وتحمل درد و رنج به دست می آید

۲- رنج رسیدن به حقیقت شیرین ترومطابق با فطرت است۳-زیرا کسی که در نادانی به سر می برد در بند جهالت خود اسیر است ومانند یک زندانی که از دیدن نور وروشنایی بیرون زندان محروم است از دیدن ودرک حقیقت عاجز است.

بررسی صفحه۲۸جمله بالا غلط است زیرا اگر چه بحث های فلسفی انتزاعی هستند ولی نمی توان گفت به واقعیت زندگی مردم کاری ندارد زیرا انتزاعی بودن به معنای فردی وشخصی بودن یا تخیلی وغیر واقعی بودن نیست ،به معنای غیرمادی بودن است برای مثال اگر چه مباحث ریاضی انتزاعی است اما در زندگی کاربرد دارد.

@GamBeGam-Darsi

تفکر در اندیشه ها صفحه۲۸

جمله شماره ۴ :زیرا با تواضع در برابر این حقیقت که زندگی فقط رفاه وآسایش نیست وگاهی مشکلات وسختی هایی به همراه دارد بهتر می توانیم با آن کنار بیاییم واگر فکر کنیم می بینیم که تا مشکلات نباشد نمی توان شیرینی های زندگی را فهمید واز آن لذت برد.

پژوهش صفحه۳۰

برای مثال :زندگی مولانا-عطار نیشابوری- بابا طاهر عریان – فضیل عیاض ابوذر غفاری

پژوهش در این رابطه به عهده دانش آموز گذاشته شود.

تامل صفحه۳۰

بیت ۴تفکر برانگیز تر است زیرا بزرگترین سوال فلسفی زندگی را که آغاز وانجام جهان است را در بر می گیرد

به کار ببندیم صفحه۳۱

۱-جهل ونادانی وتعصب وتقلید کورکورانه(زندان عقاید وارزش های نادرست حاکم بر انسان ها)

۲-تفکر وتامل در باره حقیقت زندگی و توجه به فطرت ثانی،قانع نشدن به زندگی روز مره

۳-زیرا طبق عادت آن ها نبود وباعقاید آن ها مخالف بود.

درس پنجم

تفکر در متن صفحه۳۶

۱-زیرا به خدایی که آن ها اعتقاد داشتند اعتقاد نداشت وبا آن ها هم فکر نبود.-خیر او منکر خدا نبود.

۲-سقراط جهان را حکیمانه وهدفمند می دانست وباور داشت جهان تحت اراده وعلو وقدرت وعدالت فوق بشری اداره می شود.وزندگی انسان را محدود به دنیا نمی دانست.

۳-اولین مرحله دانایی،خود آگاهی وآگاهی از نادانی خویش است.

چیزی نمی دانم سقراط = باید به دنبال کشف حقیقت ودانش بروم

چیزی نمی دانم سوفسطائیان = دانش و حقیقت قابل دستیابی نیست و ما نمی توانیم دانشی به دست آوریم یا حقیقت را کشف کنیم

۴-تواضع و فروتنی-راستگویی-اعتقاد به علم و قدرت و عدالت فوق بشری-نترسیدن ازخطردرراه رسیدن به حقیقت و آموزش دادن حقیقت به دیگران-گریزاز بدی

۵-زیرا مرگ فقط انتقال به جهانی دیگر است و درگذشتگان همه آنجا گرد آمده اند ودرآنجا با داوران دادگر آن جهان روبه رو میشویم وبا نیکان و بلند مرتبگان همنشین میشویم.-مرگ از نظر سقراط بهتر از

@GamBeGam-Darsi

زندگی باافراد نادان است که ادعای دانایی دارند مانند قضاوت دادگاه یا افراد شاکی که جزو سوفسطائیان بودند. این برداشت از مرگ با واقعیت زمان سقراط هم خوانی وهماهنگی نداشت.

۶-چون معتقد بود یک فیلسوف یادانای واقعی وقتی حقیقتی را فهمید باید دیگران را نیز از حقیقت آگاه کند تا نادان نمانند.از طرفی او خودرا مأموری از سوی سروش معبد دلفی میدانست چرا که او را داناترین آدمیان نامیده بود.

-زمانی که زندگی بخواهد با افراد نادان و مدعیان دانایی سپری شود مرگ را بر این زندگی ترجیح میدهد.

-بله زندگی او براساس حقیقتی بود که به آن رسیده بود نه واقعیتی که بر جامعه او حاکم بود.

۷-مهمترین درسی که از زندگی سقراط میتوان گرفت این است که در جستجوی دانش و حقیقت بکوشیم وآن را به دیگران بیاموزیم ومدعی دانشی که نداریم نباشیم و به دنبال فضیلت باشیم به احیای تفکرعقلانی در جامعه خودبپردازیم.

۸-زیرا فلسفه به معنای دانش است و سقراط نیز به دنبال دانایی بود.او خود ذا مأمور کشف حقیقت و دانش می دانست و میخواست به احیای تفکر عقلانی بپردازد بنابراین فلسفه از زندگی اوجدا نبود.

تفکرصفحه ۳۷

مغالطه ی توسل به احساسات

به کار ببندیم صفحه ۳۸

۱-شباهت:دانش یک فضیلت است ،دانایی باعث توانمندی انسان در زندگی است.

تفاوت: هر نوع توانایی در دانایی ریشه دارد ولی از دیدگاه سقراط هرنوع بدی ریشه در جهل دارد. –بله تجربه ی ما در زندگی برهمین نظر منطبق است.

۲-زیرا نمی دانم سقراط سرآغاز دانایی وتفکر کردن است.

-سقراط برای رسیدن به این نمی دانم باید روحیه ی جست وجوگری وحقیقت طلبی وتواضع وشجاعت در بیان حقیقت پیدا می کرد.

درس۶

تفکرصفحه۴۱

۱- نشان دهنده ی این است که ما قادر به شناخت هستیم یعنی آگاه هستیم که دانسته های ما ناقص بوده است.

@GamBeGam-Darsi

۲-نشانه ی پذیرش این حقیقت است که علی رغم گستردگی شناخت وفهم ما از جهان وخودمان ،شناختمان در مجموع محدود است ونقایصی دار دیعنی چیز هایی وجود دارد که ما یا دیگران نمی دانیم ونمی شناسیم.

حل یک مسئله صفحه۴۳

بله امکان شناخت اشیاء به طور صد در صد نیست زیرا حواس ما همواره در معرض خطا هستند.

به کار ببندیم صفحه۴۴

۱-خیر،شناخت ومعرفت فقط در حوزه ی تجربه اتفاق نمی افتد،خود این نظرفیلسوفان از آن جهت که یک عقیده ونظریه است با عقل امکان اثبات دارد نه با حس وتجربه

۲-زیرا تمام امور عالم فقط مادی نیستند که بخواهیم با حس وتجربه به آن شناخت پیدا کنیم،شناختی که از طریق حس وتجربه به دست می اید مربوط به امور جزیی است ودر مورد امور کلی باید با عقل واستدلال شناخت پیدا کرد

درس۷

بررسی صفحه۴۷

-خیر زیرا ما بر پایه حواس در طبیعت زندگی می کنیم اما می فهمیم که نمی توان صد در صد به حواس اعتماد کرد

- باید از فکر وعقل خود بهره گیریم،خیر حواس به تنهایی کار ساز نیست.

- بله حواس به کمک عقل می تواند در شناخت اشیاءموثر باشد.

بیان نمونه صفحه۴۸

غریزه ورفتار غریزی- ادراک حسی - تخیل

بررسی صفحه ۴۹

بله این خطا یا حاصل از مواد استدلال یا صورت ونحوه استدلال است که می توان با روش درست مانع خطا در تفکر شد.

مقایسه صفحه۵۱

معرفت وحیانی	شهود عارفانه
۱-از جانب خداوند نازل شده	۱-مشاهده قلبی خود عارف است
۲-خطا ناپذیر است	۲-خطا پذیر است
۳- با کمک عقل با واسطه می توانیم با برخی حقایق آشنا شویم	۳-عقل واستدلال ندارد وبی واسطه است

@GamBeGam-Darsi

به کار ببندیم صفحه ۵۱

۱-بله خطای چشم می تواند تاثیر گذار باشد فاصله در کوچکی یا بزرگی اشیا تاثیر ندارد بلکه انسان است که در دیدن اشیا با فاصله های مختلف دچار اشتباه می شود.

۲-دستگاه های ادراکی وحواس انسان وحیوان متفاوت است بنابر این هر کدام از آن ها تفاسیر متفاوتی از داده های حسی دارند.

مقایسه صفحه۵۴

۱-پارمنیدس دانش را منحصر در دانش عقلی می دانست اما افلاطون مرتبه پائین دانش را دانش تجربی می دانست.

۲-افلاطون شناسایی واقعی را ادراک حسی ودر عالم معقول(مثل) ممکن می دانست در حالی که ارسطو معتقد بود در همین جهان شناسایی ممکن است.

۳- هر دو میان حس وعقل تمایز قائل شده ومیان طریق حقیقت وطریق عقیده تفاوت قائل هستند

تامل صفحه۵۵

لزوم بهره مندی از همه ابزارهای معرفت

تشخیص صفحه ۵۹

گزاره های ۱ و۵ معنای مشترک دارند .بقیه گزاره ها بیانگر نسبیت هستند یعنی گزاره های ۲و۳و۴

به کار ببندیم صفحه ۶۰

۱-

فیلسوف	دیدگاه فیلسوف	نقد وبررسی
پارمنیدس	شناخت حسی معتبر نیست وتنها شناخت عقلی معتبر است.	یکی از راههایی که انسان می تواند به شناخت برسد حس است که پارمنیدس آن را نادیده گرفته است.
سوفسطائیان	رسیدن به دانش ممکن نیست.	این نظراساس علم ودانش را متزلزل می کند واصلا قابل پذیرش نیست
افلاطون	حواس قادر به درک این جهان ودرک جهان برتر با عقل امکان پذیر است.	حواس ما به تنهایی حتی قادر به درک وشناخت کامل این جهان هم نیست.
شیخ اشراق	اهمیت معرفت شهودی وتبیین عقلی معارف شهودی	چون تکیه اش بیشتر بر معرفت شهودی است ومعرفت شهودی دریافت های شخصی است نمی توان به طور کامل برای معرفت از آن بهره برد

@GamBeGam-Darsi

ملاصدرا	بهره مندی از همه ابزارهای معرفت	به نظر بهترین راه وروش برای کسب معرفت می باشد.
علامه طباطبایی	عقل،حس وشهود ووحی هر کدام در جایگاه خود معتبر هستند.	البته سخن درستی است ولیکن از همه آن ها باید بهره مند شد نه هر کدام در یک جایگاه خاص
بیکن	اساس کسب معرفت تجربه حسی است.	چون حواس در معرض خطا واشتباه است این حرف درستی نیست.
دکارت	اهمیت استدلال عقلی در کسب دانش	باید از همه ابزارها استفاده نمود نه فقط یک ابزار
کانت	معرفت حاصل همکاری عقل وحس است.	عقل وحس به تنهایی نمی تواند معرفت حاصل کند

۲-خطا پذیری حواس – تغییر پذیری محسوسات – نسبی بودن معرفت در برخی موارد – تاثیر پذیری حواس از عوامل محیطی

-۳

-امری که قابل بررسی تجربی نباشد بی معناست:اگوست کنت

-معرفت تجربی حاصل همکاری حس وعقل است:کانت

- درک حقیقت از راه عقل وشهود معنوی،هر دو،امکان پذیر است:سهروردی

- میان داده های استدلالی وقطعی عقلی با معارف وحیانی تضادی نیست وهردومؤید یکدیگرند:ملا صدرا

- معرفت حسی،عقلی،شهودی ووحیانی،هر کدام در جای خود مفید است:علامه طباطبایی

نظر صفحه۶۳

مقصود روح وبعد معنوی انسان است که ذهن واندیشه انسان هم وابسته به آن است.

بررسی صفحه ٦٤

دیدگاه دکارت در باره دو بعدی بودن انسان نکته مثبتی است.اما ایراد آن این است که ذهن وبدن را کاملا از هم مجزا می داند.

بررسی صفحه ٦٤

بر اساس این دیدگاه انسان یک موجود تک بعدی است که فاقد روح واختیار است وارزش های اخلاقی بی معنا هستند لذا در این دیدگاه انسان از خود هیچ اراده واختیاری ندارد وتابع شرایط اجتماعی وجامعه است است واخلاق وبدی تابع شرایط می باشد.

تامل صفحه۶۶

علم انسان به وجود خود،علم حضوری وبی واسطه است.

@GamBeGam-Darsi

بررسی صفحه ۶۶

توجه به اختیار انسان،توجه به بعد غیر مادی انسان،تاثیر انسان در سرنوشت خود وتکامل معنوی وروحی انسان

مقایسه صفحه ۶۸

بله- دو بعدی بودن انسان- نقش اراده در تکامل-ظرفیت رسیدن به کمال

ارزیابی صفحه ۶۸

۱-نظر ارسطو:انسان دارای تعقل است که او را از حیوانات متمایز می کند واین تفکر مربوط به بعد غیر مادی است.

ابن سینا: انسان پس از تکامل جسم دارای روح می شود روح غیر مادی استعداد کسب علم دارد.

دکارت:انسان مرکب از جسم وروح است.

صدرائیان : روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست بلکه نتیجه رشدبدن است.

داروینیست : انسان تفاوت واقعی با سایر حیوانات ندارد.

ماتریالیستها: انسان وحتی ذهن او صرفا مادی است.

اگزیستانسیالیست ها: چیستی انسان توسط انسان وبا عمل خود ساخته می شود.

۲-نظر ملاصدرا زیرا علاوه بر این که انسان را دو بعدی دانسته وقائل به برتری روح است .

به کار ببندیم صفحه۶۹

ردیف	دیدگاه ها در باره انسان	دیدگاه ها در باره معرفت
۱	نظر ارسطو	معرفت عقلی ومعرفت حسی هر دو
۲	نظر ابن سینا	معرفت عقلی وحسی ووحیانی
۳	نظر دکارت	معرفت عقلی
۴	نظر صدرائیان	معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی ومعرفت وحیانی
۵	نظر داروینیست	حسی وتجربی
۶	نظر ماتریالیست ها	حس وتجربه
۷	نظر اگزیستانسیالیست ها	معرفت عملی(شناخت حقیقی انتخاب فعمل است)

درس ۱۰

بررسی صفحه ۷۳

@GamBeGam-Darsi

۱-فطرت انسان ذاتا از رذائل اخلاقی متنفر است.

۲-خیر،فقط به نفع خود توجیه می کند.

۳-نسبیت اخلاق

٤-پای بندی به فطرت

٥-خیر زیرا انسان نمی تواند برای خود ودیگران قانون اخلاقی تجویز کند.

تطبیق صفحه٧٤

بله،نقش عقل در تعیین فعل اخلاقی متاثر از دیدگاه انسان شناسی ومبتنی بر اهمیت عقل است.

مقایسه صفحه ٧٥

ارسطو وافلاطون هر دو منشاءاخلاق راقوه عقل انسان بیان می دارند ولی کانت منشاءاخلاق رادرونیات ی که از قبل در فطرت بشر نهاده شده می داند ونام آن را وجدان اخلاقی می گذارد یعنی به نظر کانت عقل تعیین کننده فعل اخلاقی نیست .

تطبیق صفحه٧٦

طبیعت گرایان ریشه فعل اخلاقی را رفتار طبیعی انسان ومنافع طبیعی او می دانند که این دیدگاه با دیدگاه انسان شناسی داروینیست ها سازگاری دارد زیرا آنها انسان را متفاوت از حیوان نمی دانند ومعتقدند که زندگی اجتماعی وادارمی کند انسان را به اصول اخلاقی درست عین نظر طبیعت گرایان وبا انسان شناسی دکارت سازگاری ندارد.

طرح مسئله صفحه٧٧

بستگی به دیدگاه فرد راجع به انسان داردکه چه چیزی برای انسان کمال محسوب می شود واین که او گرایش به تمایلات مادی وطبیعی دارد یا افعال اخلاقی که گاه با هم در تضاد هستند واگر تمایلات طبیعی انسان قوی تر باشد مانع دنبال کردن فضایل اخلاقی می شوند.

یافتن مصداق صفحه٧٧

ترس از فقر مانع انفاق ویا ترس از دست دادن موقعیت مانع راستگویی و.....

تطبیق صفحه٧٨

نظر ابن سینا وفلاسفه مسلمان در مورد انسان این است که انسان دو بعدی(دارای روح وجسم) است ونظرات اخلاقی آن ها نیز با نظر انسان شناسی آن ها مطابقت دارد .

تطبیق صفحه ٧٨

@GamBeGam-Darsi

هر دو در پایان یک اقدام کرده اند اما علی به واسطه انگیزه مثبت اخلاقی کمک به هم نوع ورحمان به دلیل ترس از نکوهش این عمل را انجام داده است .

به کار ببندیم صفحه ۷۹

۱-

- معیار فعل اخلاقی ،جستجوی سعادت ونیک بختی است:افلاطون

- معیار فعل اخلاقی،در رعایت حد اعتدال است:ارسطو

- معیار فعل اخلاقی،در اطاعت از وجدان است:کانت

-معیار فعل اخلاقی،برای حفظ مصالح ومنافع افراد در جامعه است:طبیعت گرایان مثل توماس هابز

- معیار فعل اخلاقی،از جنس کمال وزیبایی بودن ورساننده انسان به کمال است: فلاسفه مسلمان

۲-دیدگاه ارسطو وفلاسفه مسلمان چون با ذات وفطرت انسان سازگاری دارد ومطابق با آن است.

۳-عقل به عنوان یک وسیله تشخیص رذایل وفضایل را تشخیص می دهد واگر اخلاق تحت کنترل عقل قرار گیرد می تواند انسان را به سعادت رساند.

٤-

دیدگاه ها	گزاره اصلی
۱	کار اخلاقی باسعادت ونیک بختی مرتبط است وسعادت در آن است که همه قوا تحت کنترل عقل باشد.
۲	کار اخلاقی با سعادت مرتبط است واگر عقل حاکم بر قوای دیگر باشد اعتدال ایجاد می شود واین اعتدال همان سعادت است.
۳	وجدان اخلاقی درونی در هر کس اورا به سمت خیر اخلاقی دعوت می کند.
۴	ریشه های فعل اخلاقی در رفتار طبیعی(منافع طبیعی) انسان است بنابراین زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است قواعد اخلاقی را ابداع کرده.
۵	بشر به فضایل علاقه مند است وعقل فضایل ورذائل را می شناسد وعلاقه مند به فضائل است وخداوند هم پشتوانه ای برای رفتن به سمت فضائل است

@GamBeGam-Darsi